

# میرو، میرو، هم سید و هم شکر

نگاهی گذرا به زندگی و کارنامه میر سید میرشکر

یکی از ستاره‌های اصلی پامیر، نادران میرسید میر شکر است. وی در سال ۱۹۱۲ میلادی در ناحیه شَنان استان بدخشان به دنیا آمد؛ تحصیل را در پارتَنیو آغاز کرد، در فاروغ ادامه داد. در سال ۱۹۲۸ به دوشنبه شهر آمد و در سال ۱۹۳۰ به پایان رساند. پس از فراغت از تحصیل، در دفتر روزنامه «جوانان تاجیکستان» مشغول به کار شد. چون جوانی جویا، با تکپو و زاده کوهستان بود، تصمیم گرفت از محیط شهری بیرون برود که اتفاق مناسبی هم برایش پیش آمد.

سال ۱۹۳۲ کاری بزرگی را در وادی وخش آغاز نهادند: کانال وخش، و میرشکر هم کمر را سخت بست و عازم وخش گشت و تا ۱۹۳۴ همان جا ماند. شربت‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ در خدمت نظامی بود. سالهای ۱۹۳۷، ۱۹۴۱ و وظیفه‌های دبیری و سردبیری را در دفتر نشریه «وصیت لنین» ایفا می‌کرده است. سالهایی بعد نیز با نهادهای فرهنگی تاجیکستان همکاری داشته است.

وی در سال ۱۹۳۴ به عضویت اتحادیه نویسندگان تاجیکستان پذیرفته شد. در سال ۱۹۵۰ جایزه دولتی شوروی، و در سال ۱۹۶۴ جایزه دولتی رودگی را دریافت کرده است.

نخستین شعر «میرشکر» که سال ۱۹۲۰ به چاپ رسید، «دشمن را گن تار و مار» عنوان داشت. نخستین داستان‌ش که در سال ۱۹۳۳ منتشر شد، «نوای ظفر» بود که از کارنامه و خوش حکایت می‌کرد. نخستین مجموعه اشعارش، «بهار جوانی»، در سال ۱۹۴۰ به چاپ رسید. در زمان جنگ دوم جهانی، میرشکر گام‌هایی استوار برداشت، و اشعار میهن‌خواهانه بسیار گفت که «ترانه غناب آزاد»، «شفقت مادری» (۱۹۴۱)، «انتقام» (۱۹۴۲)، «رحم نیاید کرد» (۱۹۴۲)، «سوگند تیشه بای عادل‌وف» (۱۹۴۲)، «آدمان از بام جهان» (۱۹۴۳) از همین شمار است. وی در این شعرها، از سویی قهرمانی میهن‌خواهان را به قلم می‌دهد، و از سوی دیگر، دشمنان تجاوزگر را محکوم می‌کند. زشت‌ترین صفت‌ها را، مانند «شغال دیوانه مرده‌خوره»، در حق هیتلر مناسب می‌داند.

میرشکر در زمان جنگ، هنری تازه از خود آشکار کرد: گفتنی‌های مهم را از طریق نامه‌نگاری به قلم داد، یعنی نامه در قالب نظم، مانند «گلزار و قهار» (۱۹۴۲)، «مکن فراموشم»، «فراموش نخواهم کرد» (۱۹۴۳).

جایگاه بلندترین را میرشکر در تاریخ ادبیات تاجیک از طریق داستان‌سرایی دریافت کرده است. وی داستان رمانتیک «روستای طلایی» را در سال ۱۹۴۲ نوشت که بسیار مشهور شد. به دنبال آن، «کلید بخت» (۱۹۴۷)، «پنج ناآرام» (۱۹۴۹)، «لنین در پامیر» (۱۹۵۵)، «دشت لونده»، «چشمان لنین» (۱۹۶۱، ۱۹۶۴)، «عشق دختر کوهسار» (۱۹۶۱، ۱۹۶۲)، و «آدم - آفریدگار» را (۱۹۶۲) تالیف کرده است.

درباره کارنامه دختر تاجیک ایگل محمدجان اوا داستان «زررقهای محبت» را تالیف کرد (۱۹۷۵). در مورد حکیم ناصر خسرو قبادیانی شعرها و نیز داستانی را به میدان آورد، با نام «عصیان خرد» (۱۹۷۹).

میرشکر که مرام و اهداف آن حکیم بزرگوار را به درستی درک کرده است، تلاش‌های جوانمردانه او را برای دلا و راستی و نکوکاری به قلم داده است.

میرشکر از جمله سخنورانی است که توجهش را ادبیات کردک به خود کشیده است. وی در سال ۱۹۳۷ شعری جالب نوشته بود. در سال ۱۹۳۹ داستانی را به میدان آورد به نام «ماز پامیر آدمیه» که خیلی مشهور شد، چرا که هم «طبیعت شوخ، کنجکاوی، شوق و ذوق بی‌اندازه، شادی و سرور و روح تازه بچه‌ها» به قلم آمده، و هم وزن و آهنگ شعر بسیار شوق‌انگیز است، مانند:

صنکوه (=مسکو) نیست، این کاکان،

نفرایید از واگان (واگن)...

یکی دیگر از شعرهای کودکانه که زیاد معروفیت داشت، «من کلان می‌شوم» بود که یک بندش این است:

من کلان می‌شوم  
قهرمان می‌شوم  
در وطن خودم  
پاسیان می‌شوم

در مجموع، میرشکر برای کودکان و نوجوانان بیش از سی کتاب چاپ و نشر کرده است. میرشکر در نمایشنامه نیز قلم آزموده است: «معلم عشق» (۱۹۴۵)، «شهر من» (۱۹۵۱)، «فاجعه عثمانف» (۱۹۵۷)، «با راه پدران» (۱۹۷۱)، «سحاربه در بیابان» (۱۹۷۴)، «خوشبختی شما - خوشبختی من» (۱۹۶۶) که بسیاری به روی صحنه نیز رفته‌اند. این نمایشنامه‌ها با درونمایه جالب، لحظه‌های اعتمادبخش، سادگی و صمیمیت جذب توجه می‌کنند. وی نمایشنامه‌های ویژه کودکان نیز ساخته است که «روستای طلایی» (۱۹۴۴)، «تاش بیک و گل قربان» (۱۹۴۶)، «پرچم دیبرستان» (۱۹۴۹)، «گل رنگ و خوش رنگ» از آن جمله به شمار می‌آیند.



اما میرشکر نویسنده نیز هست، یعنی ناشر. داستانهای او «دردانه‌های آمریتا»، «ایام شنبال و بربال و اکبر» (۱۹۷۴)، «ایام جوانی» (۱۹۷۲)، «یاد یاز مهربان» (۱۹۷۹) شهرتی شایسته کسب کرده‌اند؛ به‌ویژه «یاد یاز مهربان» هم با صمیمیت درونمایه، هم با لطافت زبانی خواننده بسیار پینا کرده است.

میرسید میرشکر با نقد ادبی نیز مشغول بوده است. وی حدود چهل مطلب و سخنرانی به چاپ رسانده که چندی این است: «وظیفه مهم ادبیات ما» (۱۹۴۹)، «درباره بعضی مسئله‌های ادبیات بچگانه» (۱۹۵۲)، «مناسبت قهرمان مثبت و منفی»، «نظم حیات. نظم ادبیات» (۱۹۵۴)، «همیشه در جست‌وجو باشیم» (۱۹۵۸)، «راجع به وضع و وظیفه‌های ادبیات کودکان» (۱۹۵۹)، «چند سخن درباره نمایشنامه‌های تاجیکی» (۱۹۶۶) نمونه‌ای از آنها به شمار می‌آیند.

مهمترین ویژگی قلم استاد میرشکر در سادگی و صمیمیت است. هم زبان و هم محتوا، هم رفتار و کردار قهرمانان، عادی و طبیعی و اعتماد بخش است، مانند طبیعت کوهساران.

پی نوشت: